

## بررسی علل طلاق در شهر گناباد سال ۱۳۸۱

طیبه ریحانی<sup>۱</sup>، محمود عجم<sup>۲</sup>

### چکیده پژوهش:

مقدمه: طلاق آفتی اجتماعی و از مهمترین پدیده‌های حیات انسان تلقی شده و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند نسبت به آن بسی توجه بماند. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند اگر از خانواده‌های استوار برخوردار نباشد. اگر جامعه‌ای به سوی افزایش طلاق پیش رود بدون هیچ شکمی در آستانه بحران قرار دارد. تحقیق در جدایی همسران در جهان و مقایسه آن با افزایش طلاق با تعمق و تفحص عمیق مورد ارزیابی قرار گرفته و جهت پیشگیری و مداخله به موقع باید گامهای اساسی بر داشته شود.

### مواد و روش کار:

این پژوهش یک مطالعه توصیفی، تحلیلی گذشته نگر است که به منظور بررسی علل طلاق در شهر گناباد انجام شده است. نمونه پژوهش کلیه طلاقهای سالهای ۱۳۸۰ - ۱۳۷۷ به تعداد ۴۴۴ مورد بودند که با استفاده از چک لیست، اطلاعات حاصله از پرونده‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### یافته‌ها:

یافته‌ها و استخراج آماری در مورد اهداف نشان داد که اکثریت واحدهای مورد پژوهش یعنی ۴۵/۷ درصد زنان خواهان طلاق و کمترین آنها یعنی ۱۵/۳ درصد زوجین هر دو خواهان طلاق بوده‌اند. همچنین اکثریت واحدهای مورد پژوهش (۶۳/۱ درصد) ساکن شهر بوده‌اند. بیشترین واحدهای مورد پژوهش یعنی ۳۱ درصد طلاق آنها در سال ۱۳۸۰ و کمترین آنها در سال ۱۳۷۷ بوده است. این تحقیق نشان داد که بیشترین علت طلاق یعنی ۷۳ درصد مربوط به علل مذهبی، اخلاقی و کمترین آنها یعنی ۲/۵ درصد علل اقتصادی بوده است.

نتایج بعدی نشان داد که بین متغیرهای علل طلاق با سن مردان، سن زنان - شغل مردان - تعداد فرزندان - تحصیلات مردان، تحصیلات زنان با توجه به  $P < 5\%$  ارتباط معنی دار و بین متغیرهای علل طلاق با محل زندگی، نسبت فامیلی و سال ازدواج ارتباط معنی دار نبوده است.

### نتیجه‌گیری:

با توجه به اطلاعات به دست آمده از این پژوهش طلاق سالانه رو به افزایش است و علل مذهبی و اخلاقی مهمترین علت طلاق از سوی واحدهای مورد پژوهش مطرح شده است. یافته‌های این پژوهش می‌تواند مقدمه‌ای جهت برنامه ریزی و مهار این پدیده شوم در جامعه بوده تا مسئولین و دست اندرکاران با حساسیت بیشتری طلاق را در زمره غم‌انگیزترین پدیده اجتماعی در نظر گرفته و جهت سلامت جامعه و مهار این پدیده شوم گامهای مؤثری را بردارند.

واژه‌های کلیدی: علل طلاق - شهر گناباد

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد پرستاری - عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی گناباد

<sup>۲</sup> - کارشناس ارشد پرستاری - عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی گناباد

مقدمه :

طلاق را از مهمترین پدیده‌های حیات انسان تلقی می‌کنند. این پدیده دارای اضلای به تعداد تمامی جوانب و ابعاد جامعه انسانی است. نخست، یک پدیده روانی است زیرا به تعادل روانی نه تنها دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنها اثر می‌نهد. در ثانی پدیده‌ای است اقتصادی، چه، به از هم پاشیدگی خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی می‌انجامد و از بین رفتن تعادل روانی انسان‌ها، موجبات بروز اثراتی سهمگین در زندگی اقتصادی آنان را نیز فراهم می‌سازد. گذشته از این طلاق پدیده‌ای است مؤثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه، زیرا از طرفی بر کمیت جمعیت اثر می‌کند چون تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل یعنی خانواده را از هم می‌پاشد و از طرف دیگر بر کیفیت جمعیت اثر دارد چون موجب می‌شود فرزندان محروم از نعمتهای خانواده تحویل جامعه گردند که به احتمال زیاد فاقد شرایط لازم در راه احراز مقام شهروندی یک جامعه‌اند. چهارم آنکه طلاق یک پدیده فرهنگی است. طلاق از دیدگاهی دیگر یک پدیده ارتباطی است. بدینسان در جامعه‌ای که فاقد ارتباطات سالم، درست و طبیعی است، پیوند یا رابطه زناشویی نیز استثناء نیست پس توجه به طلاق به تنها از دیدگاه فرد به عنوان انسان و فرزندان مهم است، بلکه از دیدگاه جامعه، فرهنگ، اقتصاد و حتی جمعیت قابل اعتناست.

متأسفانه امروزه آمار طلاق رو به افزایش است. بطوری که در آمریکا در سال ۱۹۵۶ از بین ۱۰۰۰ ازدواج ۲۵۹ طلاق به چشم می‌خورد از این رو نسبت طلاق را در این کشور در سالهای اخیر به طور متوسط ۲۰ الی ۲۵ درصد می‌دانند.

در کشور ایران نیز آماری که وجود دارد به قرار زیر است:

در سال ۱۳۷۶، ازدواج ۴۷۹۲۶۳، طلاق ۳۷۸۱۷ نسبت طلاق به ازدواج ۷/۳ درصد بوده است.

سال ۷۶ در استان خراسان ۵۶/۸۱۲ طلاق ۴/۵۴۶

نسبت طلاق به ازدواج ۸٪

سال ۷۷ استان خراسان ۲۱/۹۵۷ طلاق ۲/۷۳۳

نسبت طلاق به ازدواج ۱۲٪

یعنی آمار طلاق مشهد در سال ۷۷ نسبت به ۷۶، به میزان ۱۰ درصد افزایش داشته است و این نشان می‌دهد که آمار طلاق رو به افزایش بوده که می‌تواند بر سلامت جامعه اثر منفی بگذارد.

بطور کلی کشور ایران چهارمین کشور پر طلاق دنیاست. بررسی‌ها نشان داده که آمار طلاق در طول چند سال اخیر در ایران روشنگر حقایق تلخ و درد آوری است. تحقیق در جدایی همسران در جهان و مقایسه آن با افزایش طلاق در ایران روشن می‌کند که میزان طلاق در

ایران گرچه نسبت به جدایی‌های آمریکا، روسیه، شوروی رقم کمتری را داراست ولی نسبت به کشورهای اروپایی بیشتر است.

آمار طلاق تنها در تهران بطور وحشتناکی بالا رفته است بطوری که آمار نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر ۱۲٪ افزایش داشته است.

هم اکنون در تهران در برابر هر ۵ ازدواج یک طلاق واقع می‌شود. و بار ظرفیت پرورش گاهی هر روز افزایش می‌یابد.

یعنی طلاق در زنها ۳۵-۱۹ سالگی است و بررسی آمارها نشان می‌دهد که ۷۲ درصد از طلاق‌ها در این سن رخ می‌دهد بخصوص سن ۲۱ سالگی برای زنهای شوهر دار از همه سالها خطرناکتر است و در مردان طلاق بین ۲۰ تا ۴۰ سالگی بیشتر اتفاق می‌افتد که ۷۳ درصد مردان در این سن اقدام به طلاق کرده‌اند و در مردان نیز سنین خطرناک بین ۲۱ تا ۴۰ سالگی محسوب می‌شود.

متأسفانه طلاق می‌تواند عواقب وخیمی را برای اجتماع ایجاد کند. طی تحقیقات انجام شده اثرات طلاق بر زوجها بررسی شده که نتایج آن بصورت فهرست وار بیان می‌شود:

۱- ایجاد افسردگی، در بعضی افراد ایجاد اضطراب و حتی رفتارهای پرخطرناک

۲- ناتوانی در تحمل مشکلات کار و زندگی

۳- افزایش انحرافات اجتماعی در بین زنان و مردان مطلقه

۴- احساس شکست در زندگی به شکل دل‌تنگی، خستگی، از پا افتادگی، پوچی و بی معنایی در زندگی و.....

۵- ایجاد تفکرات نامطلوب و پارانوئید راجع به هم بخصوص جنس مخالف

۶- احساس گناه و ندامت

۷- خودکشی

طلاق از آفات زندگی است هنگامی که روی می‌دهد کودکان را به پریشانی روانی مبتلا می‌سازد و اثر شوم آن عمری باقی می‌ماند، بدبختی‌های ناشی از آن در بسیاری موارد غیر قابل جبران است با وجود این طرفین ممکن است به اصرار خود یا با توافق و صلح از هم جدا شوند ولی بذر عداوت و کینه در دل آنها پرورش یافته و به همدیگر در هر حال بدبین هستند.

چنین به نظر می‌رسد که تکنولوژی جدید فی نفسه و بطور جبری طلاق زا نیست، شاید تنها شانس جوامع در حال توسعه امروز در این باشد که بتوانند از راه رفته برخی از جوامع صنعتی جهان عبرت گیرند و از آفات آن دور باشند. اما مواردی مانند: وجود امکانات بالنسبه فراوان، کاستی در ارزشها و استغراق انسان‌ها در حیطه فرصت گرایی دانی را غنیمت شمردن، فقدان امکانات مالی و به تبع آن کاهش سطح فرهنگ، سقوط انسان‌ها از نداشتن در اعماق ماند، سن به

## Archive of SID

انواع ناملایماتی می شکنند و یا اندک چیزی باعث مسرت او می شود پس به نفع و مصلحت زن دانسته که حق طلاق را بیشتر به مرد بدهد. لوسون نویسنده مشهور آمریکا ضمن بیان آمار طلاق در این کشور چنین می گوید طلاق با سرعت عظیمی رو به ازدیاد و انتشار گذاشته و چیزی که مایه تعجب و موجب وحشت است این است که ۸۰٪ درصد آنان به تقاضای زنان واقع می شوند.

همچنین خانم مونیکا دیکنس نویسنده اجتماعی مشهور انگلیس نیز تکثیر تعداد طلاق در جهان را ناشی از این می داند که زنان تربیت و حرکات مردان را تقلید می کنند. او می گوید: به طور واقع دوام و استحکام هر ازدواجی در درجه اول بستگی به عقل و درایت خانم ها دارد و از هر ۱۰۰ ازدواجی که به جدایی منجر می شود در ۹۹ تای آنها زنها در درجه اول مقصرند در حالی که برای رهایی از این بحران راه چاره بسیار آسان است.

با توجه به آنچه بیان شد باید طلاق با تعمق و تفحص عمیق مورد ارزیابی قرار گیرد و حتی الامکان از بروز آن جلوگیری شود. ولی در بعضی از موقعیت ها اثرات و عوارض آن در صورت عدم جدائی و عدم بروز طلاق، خیلی عمیق تر و غیر قابل جبران خواهد بود. یعنی فرزندان آن خانواده از سلامت روان و تعادل شخصیت و اعتماد به نفس کافی و احساس مسئولیت بی بهره می شوند. لذا بعضی از روان درمانگرها جدایی و طلاق را راه حل مشکلات می دانند تا از خلفکاری و بزهکاری فرزندان آنها جلوگیری گردد.

به هر حال طلاق در یک جامعه اثرات مخرب و جانسوزی دارد که در بسیاری موارد غیر قابل جبران است پس پژوهشگر بر آن شد تا به بررسی علل طلاق در شهر گناباد بپردازد شاید با این بررسی بتوان از وقوع آن جلوگیری کرد. به امید روزی که شاهد طلاق و از بین رفتن کانون گرم خانوادگی نباشیم. انشاء ...

## اهداف:

هدف کلی: تعیین علل طلاق در شهر گناباد ۱۳۸۱

## اهداف جزئی

- ۱- تعیین مشخصات دموگرافیک نمونه ها
- ۲- تعیین علل فرهنگی اجتماعی طلاق در شهر گناباد
- ۳- تعیین علل اخلاقی مذهبی طلاق در شهر گناباد
- ۴- تعیین علل اقتصادی طلاق در شهر گناباد
- ۵- تعیین ارتباط مشخصات دموگرافیک با علل فرهنگی اجتماعی
- ۶- تعیین ارتباط مشخصات دموگرافیک با علل اخلاقی مذهبی
- ۷- تعیین ارتباط مشخصات دموگرافیک با علل اقتصادی

عنوان یک و یژگی خاص جسمانی، ازدواجهای تصویری و بسیاری عوامل دیگر در میزان و علل طلاق مؤثرند.

علل طلاق را می توان به چند دسته تقسیم کرد که اعم آن عبارتست از:

- ۱- علل اقتصادی مانند فقر و بیکاری، سختگیری در نفقه، و لخر جسی، تجمل گرایی، خرده گیری بر شغل، اشتغال فوق العاده به کار و غیره
- ۲- علل اجتماعی مانند دخالت اطرافیان، معاشرت نابجا، اعتیاد، بی نظمی، سوء تفاهم، انجام کارهای خلاف، ناهماهنگی طبقاتی، و غیره.
- ۳- علل فرهنگی مانند: پابندی به خرافات، سطح تحصیلات، تفاوت تربیتی، تعارض و غیره
- ۴- علل روانی و جسمی مانند: بیماری، عیب های ناشناخته از قبل، سوء ظن، بی توجهی، ضرب و شتم، حسادت و خودخواهی، مسائل عاطفی، پرتوقعی و غیره

و بسیاری علل دیگر که می تواند کانون گرم خانواده را بر هم بزند و به جدایی زن و مرد و آوارگی فرزندان منجر شود طلاق دهندگان و طلاق گیرندگان که احتمالاً تحت تأثیر احساسات تند و معینی چون کینه و نفرت بوده و طلاق را تنها راه رهایی از مشکلات خانوادگی می پندارند متوجه ناهنجاری موقعیت نشده و به این امر می پردازند.

از نظر اسلام و پیامبران از طلاق به عنوان امری منفور یاد می شود. در اسلام به همان اندازه که پیمان زناشویی و تشکیل خانواده مورد تأکید قرار گرفته و با وسایل گوناگونی مسلمانان را تشویق نموده است، به همان اندازه انحلال آن را امری ناپسند و مبعوض دانسته و جز در مواردی ضروری آنرا نیکو نمی داند. در دین اسلام با توجه به عواقب شومی که از طلاق ناشی می شود و در عین حال در برخی موارد طلاق یک ضرورت اجتماعی نیز هست، منتهی برای اینکه بی جهت و به اصطلاح در غیر محل خود واقع نشود، موانع و مشکلاتی در راه تحقق آن گذاشته اند تا زوجین را از اقدام عجولانه و بی مطالعه در مورد استفاده از طلاق باز دارند بنابراین نتیجه می گیریم هر چند اسلام طلاق را پذیرفته اما چون موانع زیادی را نیز در نظر گرفته و بخصوص اینکه مسلمین را از انجام آن صریحاً برحذر داشته، لذا عملاً امکان طلاق را کم کرده و به عنوان آخرین چاره از آن استمداد می طلبد.

در قرآن صریحاً روشن شده که قبل از اینکه طلاق واقع شود باید زوجین را به آشتی و صلح دعوت کنند و اگر نصایح نتیجه ای نداد و در آن صورت آن هم با شرایطی خاص اقدام به طلاق مجاز دانسته شده است. این شرایط عبارتند از:

- ۱- زن و مرد هر دو از یکدیگر متنفر باشند
- ۲- زن نتواند زندگی را تحمل کند
- ۳- مرد از زن بیزار باشد

البته در اسلام اختیار طلاق بیشتر با مرد است زیرا عقیده بر این است که زن فطرتاً همه چیز را برای زندگی حاضر می خواهد و قلب وی با

Archive of SID

سؤالات پژوهش

نوع پژوهش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی گذشته نگر است که به بررسی علل طلاق در شهر گناباد می‌پردازد. جامعه پژوهش: جامعه پژوهش تمام طلاقهایی است که پرونده آنها در سالهای بین ۱۳۸۰-۱۳۷۷ در دادگستری موجود بوده است. نمونه پژوهش: نمونه پژوهش برابر با جامعه پژوهش بوده و تعداد ۴۴۴ طلاق که در طول این سالها انجام گرفته است مورد بررسی قرار گرفته است. ابزار گرد آوری داده‌ها: ابزار گرد آوری داده‌ها چک لیست بوده است که اطلاعات داخل پرونده‌ها توسط آنها استخراج گردیده است. روش آماری: طبق نظر مشاور آمار جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

۱- علل فرهنگی اجتماعی طلاق چیست؟

۲- علل اخلاقی مذهبی طلاق چیست؟

۳- علل اقتصادی طلاق چیست؟

۴- ارتباط بین علل فرهنگی اجتماعی با مشخصات فردی نمونه‌ها کدامست؟

۵- ارتباط بین علل مذهبی اخلاقی با مشخصات فردی نمونه‌ها کدامست؟

۶- ارتباط بین علل اقتصادی با مشخصات فردی نمونه‌ها کدامست؟  
روش کار

نتایج پژوهش:

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای مورد پژوهش بر حسب خواهان طلاق گناباد سال ۱۳۸۱

خواهان طلاق	فراوانی	تعداد	درصد
زن	۲۰۳	۴۵/۷	
مرد	۱۷۳	۳۹	
هر دو	۶۸	۱۵/۳	
جمع	۴۴۴	۱۰۰	

جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین واحدهای مورد پژوهش یعنی ۴۵/۷ درصد زنان خواهان طلاق بوده‌اند و کمترین آنها یعنی ۱۵/۳ درصد زوجین هر دو خواهان طلاق بوده‌اند.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی مطلق و نسبی واحدهای مورد پژوهش بر حسب علت طلاق - گناباد سال ۱۳۸۱

علت طلاق	فراوانی	تعداد	درصد
عوامل جسمی روانی	۴۰	۹	
عوامل فرهنگی اجتماعی	۶۹	۱۵/۵	
عوامل مذهبی اخلاقی	۳۲۴	۷۳	
عوامل اقتصادی	۱۱	۲/۵	
جمع	۴۴۴	۱۰۰	

جدول فوق بیانگر آن است که بیشترین علت طلاق یعنی ۷۳ درصد مربوط به علل مذهبی و اخلاقی بوده و کمترین آنها یعنی ۲/۵ درصد به دلیل عوامل اقتصادی بوده است.

جهت تعیین وجود ارتباط بین دو متغیر سن زنان طلاق گرفته و علل طلاق از آزمون Kendall استفاده شده که با توجه به این آزمون و  $p < 0/007$  ارتباط معنی داری بین دو متغیر علت طلاق و سن زنان وجود دارد.